

حمله تند روزنامه جوان به سریال «بازی مرکب»

سریال بازی مرکب ، بچگانه و عقب مانده طور ولو جذاب برای طیف عام سینما ساخته شده است!

روزنامه جوان نوشت: توسعه سرمایه داری در جهان پس از فروپاشی شوروی گرچه نزدیک دو دهه مضامین رسا و واضح عدالت طلبانه و ضد سرمایه داری را در سینما کمرنگ کرد، اما این موج چندسالی است مجدداً خود را به اشکالی مختلف نشان می دهد.

به گزارش خبرنگاران فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، سریال کره ای بازی مرکب که نتفلیکس گول رسانه ای امریکا اخیراً آن را عرضه کرده خیلی رو حرفش را می زند؛ اینکه عده ای برده هستند و قشری برده دار مضمون تازه ای در سینما نیست. استنلی کوبریک نیم قرن پیش با اسپار تاکوس ارجاعی تاریخی به نظام برده داری داشت و اثری ماندگار ارائه داده بود. بانک در بخش قابل توجهی از آثار بزرگ و کلاسیک سینمای امریکا به انحای مختلف به چالش کشیده شد و برای مثال بهترین فیلم تاریخ سینما از نگاه بسیاری از محافل کیفیت سنجی سینمایی امریکا را به عنوان یک زندان بزرگ نشان می داد که زندانیان بعضاً بی گناه و قربانی سیستم می کوشند از آن بگریزند. زندانی ای که در فیلم رهایی از شائو شنگ یک بانکدار است و گویی قرار است زندگی در زندان روح او را تطهیر کند. فرانک دارابونت در اقتباسی باشکوه از رمان استیون کینگ وقتی در سکانس پایانی اندی دفرسون را از دل لجنزار متعفن فاضلاب به بیرون زندان می کشد، او را در موقعیتی قرار می دهد که زیر رگبار ممتد باران و رو به آسمان گویی خود را غسل می دهد تا به مرز امریکا با مکزیک برسد و رهایی را با رستگاری پیوند بزند.

بی صداقتی در مضمون

بازی مرکب، اما بچگانه و عقب مانده طور جذاب برای طیف عام سینما ساخته شده است. هر قدر فیلمسازان بزرگ تاریخ سینما همچون چارلی چاپلین نگاهی دقیق و صادقانه به نقد سرمایه داری جهانی داشتند و آن را در آثارشان به بهترین نحو ارائه می دادند، برخی آثار تازه به دوران رسیده ای که دو نمونه از آن در این سال ها از کره جنوبی سربرآورده است، متظاهرانه نظام نوین سرمایه داری را به چالش می کشند. گویی طبع مخاطب خسته از نابرابری های اجتماعی که طیف گسترده ای را در جهان تشکیل می دهد، باید به نحوی تغذیه شود تا انرژی متراکمی را که ذخیره کرده است با آثاری دم دستی تخلیه کند.

خشونت سریال و نگاه بیش از حد تحقیرآمیز به فرودستان این عدم صداقت را به خوبی لو می دهد. این همان زاویه نگاهی است که در فیلم اسکاری انگل نیز به واضح ترین شکل ممکن ارائه می شود. گویی قرار است به مخاطب القا شود که زندگی سگی ناشی از استحقاق آنهاست و فقط قرار است طبع برده وار و حقیر این طیف به ایشان گوشزد شود. هر قدر بزرگان سینمای کلاسیک امریکا در ارائه مضمون ضد سرمایه داری برای مخاطب احترام قائل بوده است و منزلت طبقات محروم در آثار ایشان نمود بارزی داشت، آثار کره ای، چون بازی مرکب و انگل نگاهی از بالا و تحقیرآمیز به این طبقات دارند و محرومان را اعضای عقده ای، بی سواد و نادان تصویر می کنند که لیاقتشان چیزی بیش از این نیست.

از راننده تاکسی تا جوکر

ردپای عصیان علیه سرمایه داری سه سال پیش در فیلم سینمایی جوکر نیز به شکلی دیگر خود را نشان داده بود؛ اثری قابل تأمل که بیشتر هشدارگونه به نظر می رسید و ادامه وضع موجود جوامع غربی را با یک شورش طبقاتی کور گوشزد می کرد. ردپای عصیان علیه سرمایه داری در برخی از آثار مارتین اسکورسیزی نیز قابل ردیابی است. راننده تاکسی با بازی رابرت دنیروی جوان راوی سرباز بازمانده ای از جنگ ویتنام است که برای امرار معاش در خیابان های پایین شهر نیویورک در پی هویت از دست رفته خود می گردد. پرسه زنی با تاکسی از نگاه تراویس در شهری که به شکلی سخت نشانه های جهان سرمایه داری در آن به چشم می خورد و حضور او در بین کمپین های انتخاباتی در خیابان ها و شورش او علیه یک پاندا در محله ای که پاتوق زن های خیابانی است، خشونت را ارائه می دهد که مخاطب نمی تواند ارجاعی جز سیستم معیوب و ناعادلانه حاکم را برایش در ذهن تداعی کند. اسکورسیزی نه تنها در فیلم راننده تاکسی مانند شخصیت های سریال بازی مرکب و فیلم انگل کاراکتر اصلی فیلمش را تحقیر نمی کند بلکه طوری عمل می کند که مخاطب با او همذات پنداری و خود را کنار او حس کند. او نشان می دهد تراویس اتفاقاً از روحیه و شخصیت آزاده ای برخوردار است که سرمایه داری خشن هویت فردی او را نادیده گرفته است؛ هویتی مچاله شده که هیچ جمعیت قابلی نمی تواند آن را به خود پیوند بزند. فیلمساز در همه آثاری از این دست با قربانیان چنین وضعیتی همدردی می کند، اما آثاری، چون بازی مرکب برای هویت و شخصیت کاراکترهای فقیر و محروم خود ارزشی قائل نیست. در فیلم کره ای انگل که دو سال پیش اسکار بهترین فیلم خارجی زبان را به خود اختصاص داد نیز ردپای نگاه استهزاآمیز فیلمساز به وضوح خود را نشان می دهد؛ خانواده ای که به جای پافشاری بر عزت نفس از دست داده خود حاضرند مانند جانورانی انگل وار خود را به خانواده ای ثروتمند بچسباند و از طریق زندگی زیرزمینی مانند یک موش کور در تاریکی مطلق سر کنند و به شنیع ترین شکل ممکن تن به جنایت قتل صاحبخانه بدهند تا موقعیت طبقاتی بهتری کسب کرده باشند.

هر قدر لحن و فضا سازی آثاری، چون جوکر و راننده تاکسی در به چالش کشیدن وضع موجود جامعه جدی و پرتنید است، آثاری، چون بازی مرکب با اختیار لحن مسخره آمیز و طعنه وار وضعیتی ارائه می دهند که با وجود خشونت بالا فقط باید به آن خندید نه اینکه از آن متأثر شد. بازی مرکب از این منظر اثری است که قرار است با چنگ زدن به اصلی ترین موضوع و مسئله جهان یعنی بی عدالتی سیستماتیک صرفاً غریزه ای را که طالب سرگرمی است، ارضا کند. به عبارتی دیگر آثاری از این نوع بیشتر سوء استفاده سینمایی از موقعیت دردآور بشر امروز در مطالبه عدالت خواهانه اش است؛ آثاری که قرار است تا می تواند جدیت مسئله عدالت خواهی را در جهان به ابتذال نزدیک کند تا صرفاً محملی برای خندیدن باشد نه عرصه ای برای اندیشیدن.